



بیانات حجة الاسلام والمسلمین محمد جوادی صاحب علی اکبری

در جمع مریبان و شبکه پشتیبان برادران
اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان

جلسه ۱۹ - مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

- اتحاد ملکوتی ماه معظم شعبان
- عظمت ماه شعبان به برکت وجود پیامبر اعظم (صلوات الله علیه)
- اغتنام ظرفیت ملکوتی ماه معظم شعبان
- سالک درباره‌ی عمر خودش بخیل است
- سفارش به روزه‌داری در ماه معظم شعبان
- ظرفیت عظیم ماه شعبان برای استغفار
- مناجات شعبانیه
- بهره‌برداری از مناجات شعبانیه در ماه شعبان
- شخصیت مناجاتی داشته باشید
- طریق ارتباط با پروردگار از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- گشایش ابواب در زمانه‌ی ما
- صلوات شعبانیه ادب مع‌الامام در ماه شعبان است
- محبوبیت کمک‌رسانی به مضطر نزد حضرت حق
- طریق اتصاف به ویژگی اولیای خدا
- وفاداری همه‌جانبه تا پای جان
- سؤالات مخاطبین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

بدهد از برکات این ماه بزرگ
همه‌ی ما بهره‌مند باشیم.

خوشبختانه جلسه‌ی ما با شما
عزیزان ولو بعد از این تأخیر
تعطیلی‌های شنبه‌ای که به
صورت زنجیره‌ای تعطیل شده
بود، خدا را شکر امروز در
سالروز ولادت باسعادت حضرت
ابالفضل العباس (علیه‌الصلاة والسلام) و روز
جانباز تشکیل شده که به فال
نیک می‌گیریم. دیروز ولادت
باسعادت امام حسین (علیه‌الصلاة والسلام)
و فردا هم ولادت پر نور
حضرت سیدالساجدین (علیه‌الصلاة والسلام)
است، همه‌ی مناسبت‌های خوب
بر شما عزیزان و خانواده‌های
محترمتان و همه‌ی دوستان
انجمن اسلامی، بر امت و
امام مبارک باشد ان شاء الله.

اتحاد ملکوتی ماه معظم شعبان

ماه معظم شعبان با
حقیقت رسالت پیامبر اعظم
(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با وجود اقدس
آن حضرت یک اتحاد ملکوتی‌ای
دارد. این آن نکته‌ی کلیدی است.

خدمت همه‌ی عزیزان ایام
پربرکت ماه معظم شعبان را
تبریک عرض می‌کنم ان شاء الله
که همه‌ی ما جزو شعبانیون
باشیم. در ماه رجب یک عنوانی
دارد به‌عنوان رجبیون، روایتی دارد
که کسانی که موفق می‌شوند با
حقیقت ماه رجب مرتبط بشوند
این‌ها در قیامت با شناسه‌ی
رجبیون فراخوان می‌شوند و
آن‌جا می‌گویند «این الرجبیون»؟
بعد فرمود یک عده‌ای از جا بلند
می‌شوند که چهره‌های آن‌ها
خیلی درخشان و منور است، با
یک تشریفاتی این‌ها را می‌برند
به سمت بهشت. ماه رجب را از
دست دادیم، امیدوارم که شما
از دست نداده باشید و بهره‌های
مناسب از این ماه الهی را برده
باشید. در هر صورت امروز روز
چهارم ماه معظم شعبان است،
چشم به هم بزنید ماه مبارک
رمضان از راه رسیده. امیدواریم
ان شاء الله خدای متعال توفیق



این جمله‌ای که از حضرت نقل شده که حضرت فرمودند «شَعْبَانُ شَهْرِي»، تعبیر جالبی است «فَرَحَمَ اللهُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى شَهْرِي»، فرمودند شعبان ماه من است بعد هم دعا کردند و دعای ایشان هم این است که خداوند رحمت کند و مورد لطف خاص و رحمت خودش قرار دهد آن کسی را که من را دربارهی ماه من یاری کند.

عظمت ماه شعبان به برکت وجود پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)

یک مسئله این شرف انتساب این ماه است به پیامبر عظیم الشان، آن هم با این تعبیر لطیف «شَهْرِي»، که می‌فرمایند این ماه من است. این نسبت برای این ماه یک ظرفیت مافوق تصویری به وجود می‌آورد چون ما از نظر مبانی، طبق مبانی‌ای که از قرآن عظیم استفاده می‌شود و از معارف حقه‌ی الهیه برداشت می‌شود، در نسبت با حق تبارک

و تعالی هیچ رتبه‌ای بالاتر از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مراتب هستی نداریم. این چیز عظیمی است، خیلی بزرگ است، خیلی باعظمت است. اولین تجلی، تجلی اعظم حق و نور اول است. عقل نخست است، یعنی مطلب ماورای این حرف‌هایی است که ما درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم یا می‌اندیشیم، خیلی بزرگ‌تر از این‌ها است.

لذا وقتی چیزی نسبت پیدا می‌کند با پیامبر اعظم خیلی عظیم می‌شود. یعنی او اگر پیامبر اعظم است این ماه هم به وصف عظمت باید درباره‌ی آن یاد بشود. لذا ما هم می‌گوییم شعبان المعظم. درباره‌ی ماه رجب می‌گویند رجب المکرم. اهل معرفت ماه رجب را این‌طور توصیف می‌کنند. به ماه شعبان می‌گویند شعبان المعظم. این خیلی باعظمت است. ماه بزرگی است عظمت خودش را هم از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد که باطن این ماه است.



الهی است. این یک‌چنین ماه باعظمتی است که ما رسیدیم به چهارمین روز این ماه، و طبق طبع قاهر زمان خیلی هم سریع می‌گذرد و بالاخره از ما عبور خواهد کرد و جزو نفعات الهیه است، این را باید قدر دانست.

اغتنام ظرفیت ملکوتی ماه معظم شعبان

ظرفیت‌ها در ملکوت فقط به گزارش ولی اعظم قابل دریافت است، چیزی نیست که کسی با علم عادی بتواند به آن برسد از قبیل «وَيَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» یعنی علمی است که اگر از طریق وحی الهی و از طریق ولی الهی به ما نرسد امکان دستیابی به آن وجود ندارد. این جور نیست که شما بتوانید با مطالعه و پژوهش و تحقیق و امثال این‌ها به این حقیقت بزرگ و این ملکوتی که در این ماه است دست پیدا کنید و این هم خودش شکر دارد

لذا ظرفیت ممتازی برای سالکین الی‌الله تبارک و تعالی دارد تا بتوانند از هدایت‌های ویژه‌ی الهی به برکت وجود اقدس پیامبر عزیز ما استفاده کنند. این امکانی است که در اختیار همه‌ی آن‌ها است.

اگر در این ماه رحمتی متجلی است رحمت عظمی است، اگر مغفرتی متجلی است مغفرت عظمی است، اگر کرامتی است کرامت عظمی است، یعنی خیلی بزرگ و وسیع است. این روایت را باید خیلی قدر دانست در صلوات شعبانیه هم می‌گوییم «وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ شَعْبَانَ؛ این ماه پیامبر توست که سید همه‌ی رُسل است این شعبان است». بعد می‌گویید «الَّذِي حَقَّقْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ؛ این ماهی است که با رحمت و رضایت الهی و رضوان الهی پیچیده شده». یعنی از اول تا آخر طولاً، عرضاً، صدر، ذیل، از همه‌ی جوانب این محفوف به رحمت الهی و به رضایت



مبتنی بر دستاوردها و بهره‌هایی است که از این قطعه‌ی از زمان در عمر خودم دارم، آن موقع اگر به شما بگویند یک بخشی از عمر شما مثلاً در طول سال دارای یک چنین ظرفیتی است آن وقت دیگر از آن عبور نمی‌کنید.

سالک درباره‌ی عمر خودش بخیل است

سالک کلاً از عمرش نمی‌تواند بگذرد، درباره‌ی عمر خودش بخیل است، این‌که ما درباره‌ی عمر خودمان سخی هستیم و جواد هستیم این به‌خاطر جهل و بی‌خبری ما است. وّالا اگر ما وقوف پیدا نکنیم به اسرار زیست ابدی، آن وقت درباره‌ی عمر خودمان به شدت بخیل می‌شویم و درباره‌ی آن قسمت‌هایی از عمرمان که دارای ظرفیت‌های ویژه است می‌شویم ابخل. یعنی دیگر خیلی آن‌جا را سخت‌گیرانه با آن مواجه می‌شویم. منتها می‌بینید که چقدر ما سخاوتمندانه مشغول

که به ما این خبر را دادند. به ما خبر دادند که این ماه خیلی خیرها است. خود این خیلی قیمتی است، وّالا ما نمی‌توانستیم برسیم، چه کسی می‌توانست باطن این ماه و ملکوت آن را درک کند؟ این فقط به کشف نبوی امکان دارد و به کشف ولوی و علوی امکان دارد که برای ما رمزگشایی کنند بگویند در این ماه یک خبرهایی است، چون مربوط به ملکوت آن است.

برای ما صادق مصدق از ذخایر ویژه‌ای که خدای متعال برای بندگان در باطن این ماه تعبیه کرده و در ملکوت زمان و آن جنبه‌ی دهری زمان، در واقع در این قطعه تعبیه کرده به ما خبر می‌دهد. البته برای کسی که سالک ابدیت است ثانیه ثانیه‌های این ظرفیت ملکوتی مغتنم است. آن‌هایی که اهل آن باشند همین‌قدر که توجه کنند من مسافر ابدیت هستم و در آن سیر ابدی هرچه که از این‌جا همراه من باشد با من آن‌جا است، این سیر



زمان گنج‌ها است گنج‌نامه‌ی آن را هم به ما دادند نقشه‌ی گنج آن را هم دادند. شما می‌توانید با این‌ها سراغ این ظرفیت ممتاز بروید و از آن بهره‌مند بشوید.

سفارش به روزه‌داری در ماه معظم شعبان

چند چیز است که این‌ها حالا به تفصیل هم گفته شده. یکی مسئله‌ی روزه است. نسبت روزه با ماه معظم شعبان خیلی فوق‌العاده است. در ماه مکرم رجب هم این‌طور بود ولی در ماه شعبان خیلی خاص است. دوستانی که می‌توانند روزه بگیرند، قدر بدانند، ما کم‌توفیق هستیم. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمودند از وقتی که مطالب پیغمبر را راجع به ماه شعبان شنیدم هیچ‌وقت روزه‌ی این ماه را ترک نکردم. یعنی اگر کسی بتواند و شرایط جسمی و این‌ها به او اجازه بدهد این فرصت بسیار مغتنم را نباید از دست بدهد. بعدها مثل ماها یک

به گذرانیم. می‌گذرانیم و خیلی فرقی نمی‌کند و سر آن هم این است که آن وقوف را نداریم. در هر صورت به ما این‌طور گفتند که حضرت فرمود «شَعْبَانُ شَهْرِي» بعد هم دعا کردند برای کسانی که ادب زیست در ماه رسول‌الله (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه) را رعایت کند «فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى شَهْرِي». خوش به حال آن‌هایی که موفق بشوند. شما هم ان شاءالله به عنایت خود پیامبر اعظم موفق خواهید بود و حظ و بهره‌های بیش‌تری از این امکان الهی و رضوان و رحمت الهی ان شاءالله خواهید داشت.

برای به دست آوردن این گنج‌ها ما را متحیر و مبهوت رها نکردند، ما را که همین‌طور حیران و بی‌خبر نگذاشتند، به ما راه را نشان دادند، راه بهره‌مندی از گنج‌های عظیم و رحمت و رضوان الهی در ماه معظم شعبان را نشان دادند، این در دسترس ما قرار گرفته این را به ما دادند. یعنی اگر گفتند در این قطعه‌ی از



ابتلائاتی برایش پیدا می‌شود که دیگر نمی‌تواند روزه بگیرد، آن وقت دیگر حسرتش را می‌خورد، یا مثلاً اگر می‌تواند چند روز آن را بگیرد، حیف است. ولی آن‌هایی که بهتر می‌توانند قدر آن را بدانند. حالا هم که اصلاً روزها عشق روزه است، نوعاً روزهای خنک و نسبتاً مختصر، حالا دارد یک کمی روزها بلند می‌شود ولی این چیزی نیست.

ظرفیت عظیم ماه شعبان برای استغفار

نکته‌ی دوم که این نکته‌ی دوم هم فوق‌العادگی دارد؛ استغفار است، انسان از خدای متعال در این ماه طلب مغفرت بکند، قالب‌های استغفاری آن را هم به ما داده‌اند. به شما می‌گویند یک خشاب، به قول جبهه‌ای‌ها آن وقت‌ها می‌گفتند یک خشاب هفتادتایی مثلاً «استغفرالله و أسئله التوبه»، چقدر شسته و روفته، ببینید این را به ما دادند. هم عدد دارد و هم ترکیب دارد. یا آن

استغفار مفصل‌تر که «استغفرالله الذی لا اله الا هوالحی القیوم الرحمن الرحیم و اتوب الیه»، آن‌جا گفتند گاهی هم «الرحمن الرحیم» را مقدم کنیم گاهی مؤخر، هر دوی آن‌ها نقل شده. پس مطلب دوم استغفار است. استغفار هم که گفته می‌شود معنای آن این نیست که ما یک تسبیح بگیریم همین جور «استغفرالله و أسئله التوبه» بگوییم، این خوب است لابد مؤثر هم است. معنای آن این است که انسان حالش حال پشیمانی از گناهان و معصیت‌ها باشد. حالتش حالت ندامت باشد آن وقت این «استغفرالله و أسئله التوبه» یا آن واژه‌های دیگری که برای استغفار نقل شده این‌ها آتش می‌زند. او را شعله‌ور می‌کند. مهم این است که این تهیاً و آمادگی از نظر ندامت در انسان باشد. و آمادگی برای جبران این‌که دیگر آن گناه را تکرار نکند در انسان باشد. با این حال



را هم می‌دانید باز ذیل همان شخصیت پیامبر اعظم است و این آبرویی است که پیامبر گذاشته این وسط در دستگاه الهی. آبرو گذاشته که جبران می‌کند، دستگیری می‌کند، بار این‌ها را از دوش‌شان برمی‌دارد. سبک می‌کند.

مناجات شعبانیه

مطلب سوم که خوب است ان شاءالله ما از آن بهره‌مند بشویم این مناجات شعبانیه است. شاید بشود گفت که مناجات شعبانیه در بین آنچه که بهره‌های ماه معظم شعبان حساب می‌شود نزد اهل معرفت از همه غنیمتی‌تر است. این مناجات مال خلوت‌ها و لحظات انس امیرالمؤمنین در ماه معظم شعبان با خدای متعال است. بعد این رسیده به دست ما که فرمودند همه‌ی ائمه (علیهم‌السلام) با همین کلمات نورانی با خدای متعال گفتگو می‌کردند. انواع و اقسام دعا داریم، دعا خیلی متنوع است. ولی دعاها

باشد، و الا در همین نهج‌البلاغه‌ی امیرالمؤمنین در حکمت حضرت به آن کسی که داشت همین جور زبانی استغفار می‌کرد، حضرت حسابش را رسید. گفتند «أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفَارُ» آیا می‌دانی استغفار یعنی چی؟ تو خیال کردی استغفار یعنی همین؟ بگویی استغفرالله، استغفرالله؟ بعد حضرت آن فهرست را برای او آورد که استغفار این است و این است و این است. یعنی چه آدابی دارد؟ از ندامت شروع می‌شود تا جبران ادامه پیدا می‌کند. جبران هم دارد، حالا حقوق دیگران باشد، حقوق الهی باشد، برنامه‌ریزی داشته باشد.

معلوم می‌شود که سبک‌بار کردن انسان، یعنی این‌که انسان بتواند خودش را در این دنیا بخواهد سبک‌بار کند از این بارهایی که با دست خودش به دوش خودش گذاشته و به دست و پای خودش بسته، ماه معظم شعبان در این زمینه دارای یک ظرفیت فوق‌العاده‌ای است. این



وقتی که عارفانه و عاشقانه می‌شود و ترکیب صمیمانه پیدا می‌کند اسم آن می‌شود مناجات. مثل مناجات ابوحمزه ثمالی، مثل مناجات امیرالمؤمنین در مسجد کوفه. آن وقت در بین آن دعاهایی که جنبه‌ی مناجاتی دارد مناجات شعبانیه خیلی خاص است. اگر نگوییم بی‌نظیر است، کم‌نظیر که قطعاً هست، ولی من دیدم در کلمات بعضی از خوبان و اهل معرفت که آن‌ها می‌گویند بی‌نظیر است. می‌گویند چیزی در این رتبه دیگر نداریم که دعای در کسوت مناجات باشد. هم از جهت مضامین، عالی‌المضامین است. مضامین آن خیلی عالی است و ابعادی از معارف الهیه و از حقایق توحیدی در مطاوی کلمات امیرالمؤمنین در این دعا به روی اهل معرفت باز شده و باز می‌شود که در سایر دعاها نیست. از یک جهاتی هم نسبت به خیلی از مناجات‌های دیگر از جمله مناجات شریفه‌ی ابوحمزه‌ی ثمالی که از امام سجاده (علیه‌السلام) نقل شده جنبه‌ی ابوت

دارد، یعنی این پدر آن مناجات ابوحمزه است. این که می‌گوییم پدر است از نظر مضامین عرض می‌کنم. یعنی سطح و مستوای آن این‌طوری است. لذا بسیاری از دعاهای دیگری که از ائمه‌ی هدی (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) داریم این بسیاری دیگر از این دعاها این‌ها همه الهام گرفته‌ی از مناجات شعبانیه است. حتی بعضی از تعابیر گاهی خیلی نزدیک شده به مضامین این مناجات‌ها. خلاصه از جهت فشردگی، جمع و جور بودن و این که همه مطلب را به این اختصار ارائه کرده باشد خیلی فوق‌العادگی دارد. فضای آن هم فضای عاشقانه است، عاشقانه‌ی آن هم در قله‌ی خوف و رجاست. اگر خوف در آن است قله است، اگر رجا است در قله است. و خیلی مرتفع است اوجی که در این مناجات نورانی هست. این نکته هم خیلی جالب است که گفتند همه‌ی ائمه (علیهم‌السلام) با این مناجات با حضرت حق تبارک و تعالی گفتگو کردند.



که شد تکلفی نیست ولی اگر بتواند در آن اوقات خاص باشد خوب بهتر است. بعضی‌ها را من دیدم مناجات شعبانیه را با توجه به شرایط خاصی که خودشان دارند تقسیم می‌کنند در تعقیبات نمازهای خودشان می‌خوانند. در هر نوبت که نماز می‌خوانند دو تا سه فراز از این مناجات نورانی را هم می‌خوانند این هم خوب است. عمده این است که ما بهره‌مند باشیم حالا به هر شکل ممکن ان شاءالله سعی کنیم از این فرصت استفاده بکنیم تا از دست ما به کل خارج نشده. آن وقت اساتید ما می‌فرمودند که ماه معظم شعبان ماه دریافت و روان‌سازی مناجات شعبانیه است یعنی این‌جا شما باید این را تلقی کنید، دریافت کنید، بچشید، با آن انس بگیرید این بیاید درون آن بافت‌های وجودی شما وارد بشود بنشیند در قلب شما با آن اتحاد پیدا کنید. آن وقت بعد از ماه معظم شعبان در ماه مبارک رمضان و بعد در طول سال دیگر

این خیلی چیز جالبی است، این نشان دهنده‌ی آن ابعاد و آفاقی است که در این مناجات نورانی هست. برای اولیای خدا که خودشان را نیازمند می‌دانستند با این مناجات نورانی آن بهره‌های ویژه‌ی خودشان را داشتند.

بهره‌برداری از مناجات شعبانیه در ماه شعبان

رفقا باید قدر بدانند، اگر ممکن بشود هر روز همه‌ی آن را که خیلی هم نیست بهتر، اگر نه به هر شکلی ممکن نشد قطعه‌ای، بخشی از آن را انسان یک زمانی برای آن وقت بگذارد یک فرصتی را برای آن معین کند که در آن فرصت حالا می‌خواهد سحر باشد، می‌خواهد قبل از غروب باشد، می‌خواهد بین الطلوعین باشد، فرصت‌های خاص دعا این‌ها است، قبل طلوع الشمس، قبل الغروب، سحر، این‌ها فرصت‌های خاص دعا است. بقیه‌ی وقت‌ها هم خوب است هر وقت دیگری هم



«یا رفیق من لا رفیق له» یعنی وارد باب رفاقت می‌شود، با خدای متعال وارد باب محبت شده. باب محبت یک عالمی دارد، این را همه‌ی شما درک می‌کنید، خدا نکند که یک کسی باشد که بگوید من عالم محبت را درک نمی‌کنم. شما رفیق دارید رفیق‌های خیلی صمیمی، یک کسی را می‌بینید می‌گویید صمیمی‌ترین رفیق من خانمم است، معنای آن این است که من هر چه که بنشینم با این حرف بزنم خسته نمی‌شوم. یک ساعت، دو ساعت، اصلاً بلکه مدام شوق من به او بیش‌تر می‌شود. این آن محبت است. گاهی انسان یک کسی است در زندگی خودش، یا با یک کسی یک رفاقتی دارد، یک آنسی دارد، آن‌جایی که شما رفاقت صمیمی دارید آن‌جا راز شما مطرح می‌شود. انسان با کسی که خیلی محبت دارد رازگویی دارد، درد و دل می‌کند، می‌گوید می‌شنود شادی‌های خودش را آن‌جا تقسیم می‌کند، اندوه‌های

با همین کلمات انسان با خدای متعال در نماز و غیر نماز و این‌ها رازگویی داشته باشد و از این کلمات نورانی استفاده نکند.

شخصیت مناجاتی داشته باشید

خیلی خوب است که شخصیت انسان شخصیت مناجاتی باشد. یعنی اهل ارتباط صمیمانه و شیرین، فراوان، دلی، با خدای متعال باشد. بعضی از ماها این توفیقات را نداریم. یعنی ارتباط ما با خدای متعال دو جور است، یکی ارتباط‌های رسمی است، آن مقداری که گردن ما گذاشتند در نماز و... ارتباطات خیلی رسمی. گاهی هم ارتباطات اضطراری است، مثلاً یک مرضی پیش بیاید، یک ورشکستگی‌ای پیش بیاید، کسی برای او مشکلی، ابتلائی پیش بیاید یک ناله‌ای می‌زند و شروع می‌کند با خدای متعال حرف زدن، نه این‌نشد. شخصیت مناجاتی یعنی آن کسی که با خدای متعال وارد عالم رفاقت شده، همان که می‌گوید



این جا دارد می‌پلکد. صدای او در همین محیط فقط می‌پیچد، با آن بالاها اصلاً ارتباطی ندارد شناخته شده نیست.

طریق ارتباط با پروردگار از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام)

به نظر می‌رسد باب مناجات از برترین عنایات حق تعالی نسبت به بندگانش است. گمان می‌کنم جزو عالی‌ترین عنایات خدای متعال به بندگان خودش است که این اجازه را داده، این فرصت را داده که با این‌ها صحبت کنند. آن وقت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

برای آن ارتباط ویژه‌ی شما با خدای متعال وارد میدان شده این ارتباط مناجاتی شما را غنی‌سازی کرده. به شما نشان داده که چگونه باید صحبت کنید. هم ادبش را، هم نازش را، می‌گویند فضای مناجاتی این‌طور است که ناز دارد، دلال دارد.

می‌گوید «إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَتَقَلَّ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ

خودش را آن جا می‌برد. آن می‌شود عالم محبت و رفاقت. مناجات با خداوند تبارک و تعالی یعنی گشایش باب رفاقت و محبت با حضرت حق تبارک و تعالی، آن‌ها هستند که مناجات را می‌چشند. خدای متعال هم کسانی را دوست دارد که خیلی با او حرف بزنند، خیلی با او مراوده داشته باشند، این‌ها را انتخاب می‌کند. و محیط ملکوت در یک چنین ارتباطی محیاست. همه‌ی زمینه‌ها فراهم است برای برقراری چنین ارتباطی بین عبد و رب تبارک و تعالی.

به من و شما هم گفتند طوری برنامه‌ی خودتان را تنظیم کنید که صدای شما را آن بالا بشناسد. یعنی تا شما مثلاً شروع می‌کنید به صحبت، می‌گویند خب این آشنا است، این از خودمان است. بعضی‌ها ناآشنا هستند، نمی‌شناسند آن‌ها را، فرشته‌ها می‌گویند این صدای کیست؟ او را نمی‌شناسند. یعنی اصلاً صدای او آن بالاها نیست. این همیشه



إِلَّا فِي وَقْتٍ أَيْقَظَنِي لِمَحَبَّتِكَ؛^۲ من نمی توانم از موقعیت گناه فاصله بگیرم مگر تو من را به عشق خودت بیدار کنی. «لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتٍ؛ فقط راه آن این است که من را وارد دوستی با خودت کنی. آتش محبت را در دل من روشن کنی، اگر روشن کردی من از گناه فاصله می گیرم. وَا لَا مِنْ دَائِمٍ مِي افتم در دام شیاطین». اوج آن هم آن جایی است که اول یک حمد می کند که حمد آن هم از نظر ارتفاع قله است، چون حمد باب معرفت الله تبارک و تعالی است، این جا در مرتفع ترین سطح آن است «إِلَهِي فَلِكِ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ فَتَرْضَى». من یک وقتی محاسبه کردم از این بالاتر نمی شود حمد گفت. خیلی بالاست. مخصوصاً این «كَمَا تُحِبُّ فَتَرْضَى» آخر حمد است. این را می گوید بعد بلافاصله می گوید «إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي

بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ» چه کسی می تواند این طور حرف بزند؟ «وَ إِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ» به خدای متعال دارد می گوید اگر به خاطر جرم من، من را بگیري من هم عفو تو را می گیرم، بعد یک قدم می رود بالاتر، می فرماید «وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ» خب جهنم محیط دشمنان خدا است، یعنی آن جایی که اهل معصیت آن جا هستند، می گوید اگر من را پیری به جهنم، «أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أَحِبُّكَ» من آن جا آبروریزی راه می اندازم. من به آن هایی که آن جا هستند می گویم تو دوست خودت را آوردی این جا. «أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا»، «أَهْلَهَا» یعنی اهل نار، یعنی همان جهنمی ها. می گوید من به جهنمی ها می گویم که من دوست داشتم تو را، تو با کسی که تو را دوست داشته داری این طور رفتار می کنی. ببینید چه کسی جرأت می کند با خدای متعال این گونه صحبت کند؟ تصور کنید آن بابی که



از طرف حضرت حق تبارک و تعالی باز شده چه بابی است؟ چه کسی این باب را باز کرده؟ این همان بابی است که عرض کردم فقط کار پیامبر اعظم محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) است. اوست که این باب را باز کرده، خب چه کسی دارد این باب را شرح می‌کند؟ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آن را تبدیل کرده به این کلمات. بعدها البته امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) در همان مناجات ابو حمزه هم از این جور مطالب می‌گوید وارد این نوع حرف‌ها هم می‌شود. «إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتِك بِعَفْوِكَ».

گشایش ابواب در زمانه‌ی ما

در روزگار ما، ما دیدیم مثلاً کسانی که با خدای متعال وارد این باب رفاقت شدند. این زمانه‌ی ما خیلی زمانه‌ی عجیبی است. این که می‌بینید این‌طور شیاطین خودشان را به زمین و آسمان می‌زنند به در و دیوار می‌زنند این جور رفتارهایی را

مرتکب می‌شوند بخاطر این است. یعنی هیچ وقت مثل این که در تاریخ بحسب آنچه که شناخته شده است سابقه نداشته که یک چنین فضایی بین زمین و آسمان برقرار شده باشد. یک چنین پلی خورده باشد بین زمین و آسمان. نبوده نداریم چنین چیزی، شما پیدا کنید به ما نشان بدهید. یک عالمی باز شد در عالم. زمانه‌ی ما زمانه‌ی عجیبی است و یکی از جلوه‌های ویژه‌ی زمانه‌ی ما همین گشودن باب مناجات بود و این باب مناجات چون باب‌الحب است عمدتاً ذیل جهاد باز می‌شود. یعنی وقتی باب این دفاع مقدس باز شد «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ»^۳ می‌فرماید جهاد یک در مخصوصی است. چون در جهاد این چیزها پیش می‌آید، این ارتباطها شکل می‌گیرد. آن ارتباطات محبانه این جاها شکل می‌گیرد، خب عوالم خودش را دارد. و حالا شما تصور کنید

۳ خبه ۲۷ نهج البلاغه



برای نماز صبح پیدا می‌شد، اولین نفر هم در صبحگاه خودش بود. با این‌که هیچ در کارهای خودش چیزی را کم نمی‌گذاشت از حالت چهره‌اش معلوم بود که یک خبری است. بعضی از این بچه‌ها که یک مقدار اهل این فضولی‌ها بودند گفتند یعنی چی؟ این کجا می‌رود؟ چه جوری است؟ دیده بودند که ایشان با یک فاصله‌ای از مقرر رفته پشت یکی از همین موقعیت‌ها یک قبری برای خودش آن‌جا کنده، یک چاله‌ای قبرمانند برای خودش کنده می‌رود آن‌جا از صدر شب شروع می‌کند تا سپیده‌ی صبح مشغول گفتگوی با خدای متعال و راز و نیاز و اشک و نجوا می‌شود. این‌ها کی بودند؟ و الحمدلله به لطف خدا این گوشه و کنار هستند، کم هم نیستند الان. این باب مناجات شعبانیه، خیلی باب عجیبی است.

ما چه چیزهایی را دیدیم؟ بعد مثلاً سر فلان پیرمرد است، پیر دیر است رفته مثلاً نمی‌دانم پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سال سیر و سلوک کرده بعد حالا مثلاً به یک رتبه‌ای رسیده، نه داداش جون، یک دفعه شما می‌بینید هزار هزار هزار هزار جوان، این‌ها رسیدند مثل این‌که تمام این مسیرها را با چه سرعتی این‌ها طی کردند. چه تصرفی شده در آن‌ها؟ والا مثلاً فرض کنید من در یک شبی اهواز در این موقعیت شهید محمودوند که آنجا هم برای همین معراج شهدای اهواز است، من آن‌جا به بچه‌ها گفتم ما یک رفیقی داشتیم فرماندهی دسته بود، این تمام شب‌ها بدون استثناء غیب می‌شد. بعد از این‌که همه‌ی کارهای خودش را می‌کرد برنامه‌ی خودش را انجام می‌داد غیر از مواقع عملیات، در شرایط عادی، دیگر نبود. این بچه‌ها که استراحت می‌کردند و موقعیت مستقر شده بود این دیگر نبود،



صلوات شعبانیه ادب مع‌الامام در ماه معظم شعبان است

صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۱ آن وقت می‌بینید که خیلی از خیرها در صلوات جمع شده، خیلی فوق‌العاده است، یک کار بزرگ است، و نزدیک‌ترین سطح ارتباط بین انسان و پیامبر اعظم و اولیای خدا در صلوات است که فراهم می‌شود. چون شما در صلوات دارید برای اولیاء، برای پیامبر عزیزمان دارید تقاضای لطف می‌کنید، تقاضای رتبه می‌کنید، تقاضای درجه می‌کنید. آن‌ها که احتیاجی ندارند ولی یک احترام خاصی است. صلوات خیلی چیز عجیب بزرگی است. آن همه هم حسنت و برکات پشت سر آن است. آن وقت قالب‌گیری صلوات شعبانیه یک قالب‌گیری فوق‌العاده‌ای است. کلاً فضای صلوات دعا است. چون ما داریم درخواست می‌کنیم از خدای متعال. حالا با آن فراز و فرودی که دارد این‌جا در شرح مقامات اولیاء یک ابوابی از معرفت اولیاء در این متن نورانی باز شده با کلیدواژه‌ها، خیلی دل‌نشین است.

نکته‌ی بعدی صلوات شعبانیه است. صلوات شعبانیه از منشئات حضرت سیدالسادین (علیه‌الصلوة والسلام) است که وارد شده که اگر مناجات شعبانیه ادب مع‌الربی ماه شعبان است، این صلوات شعبانیه ادب مع‌الامام در ماه معظم شعبان است. بعد دیدید دیگر چه ابوابی از معرفت را باز می‌کند «شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعُ الرُّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ وَ أَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ»^۲ و همین‌طور تا آخر این صلوات. اصلاً عنوان صلوات شعبانیه صلوات است که صلوات در واقع یک فیض ویژه‌ای است از سوی خدای متعال برای مؤمنین در نسبت با پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم). که در واقع عمل به فرمان صریح خدای متعال است که فرموده «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»^۳ بعد هم خطاب به مؤمنین که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا



محبوبیت کمک‌رسانی به مضطر نزد حضرت حق

دارم چه کسی را صدا می‌زنم؟ تمام سائلین در تمام عالم خدای متعال را دارند صدا می‌زنند منتها بعضی از آن‌ها توجه دارند، اکثریتی هستند، اکثرهم غافلون، لا یعقلون، لا یشکرون، لا یشعرون و امثال این‌ها. درک نمی‌کند و آلا همه دارند خدا را صدا می‌زنند.

آن وقت یک کسی که مضطر می‌شود و شروع می‌کند درخواست کمک کردن، آن کسی که به فریاد او می‌رسد در واقع به خلافت‌الله تبارک و تعالی دارد نقش ایفا می‌کند، در واقع او از خدا درخواست کرده بود و آلا بقیه که چیزی ندارند، کاره‌ای نیستند. خیلی فوق‌العاده است و یکی از زیباترین حالاتی است که خداوند تبارک و تعالی می‌پسندد، خداوند متعال این حالت را خیلی دوست دارد خیلی می‌پسندد که ببیند یکی از بنده‌های خودش دارد به یک مضطر، به یک کسی که ترسیده، به یک کسی که گرفتار است دارد کمک می‌کند. زیباتر از این نداریم.

در متن این صلوات نورانی ضمناً آن جمله‌ای است که برای خواندم که «و هَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ شُعْبَانَ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَ الرَّضْوَانِ»^۶ در متن این صلوات نورانی از جمله چیزی که گنجانده شده در فهرست ویژگی‌های اولیاء این است می‌گویید «الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَ غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ وَ مَلْجَأِ الْهَارِبِينَ وَ عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ» یعنی این که یک کسی ناله می‌زند، یک کسی مضطر است، یک کسی کمک می‌خواهد، در باطن امر او دارد خدای متعال را صدا می‌زند، باطناً این است، لذا من الان ترسیدم، خب چه کسی را دارم صدا می‌کنم؟ آن کسی که بتواند به من امنیت بدهد. من الان فلان نیاز را دارم، برای چه کسی دارم ناله می‌کنم؟ یا فلان درد را دارد، فلان شرایط سخت را دارم، گرسنه هستم، الان

فرازی از صلوات شعبانیه

۶



خیلی صحنه‌ی قشنگی است.

طریق اتصاف به ویژگی اولیای خدا

صلوات شعبانیه است الهام‌بخش برای دوستان‌شان در اتصاف به این ویژگی‌ها است، یعنی اگر بخواهند وارد عالم ولایت محمد و آل محمد بشوند یکی از ابواب آن همین است که این‌ها در نسبت با خلق بشوند فریادرس، بشوند کمک‌کننده، بشوند دست‌گیر، بشوند هدایت‌گر، یعنی اگر خیر تو به خلق رسید با محمد و آل محمد می‌توانی رفیق بشوی و هر چه که این خیر تو بیش‌تر باشد این‌جا بیش‌تر پذیرش می‌شوی.

آن وقت جالب است در همین صلوات شعبانیه می‌گویید «وَأَرْزُقْنِي مَوَاسِئًا مَنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رَزْقِكَ بَمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَذْلِكَ وَأَحْيَيْتَ تَحْتَ ظِلِّكَ»، می‌گویید به من روزی کن، من با کسانی که تو به آن‌ها سخت گرفتی، و آن‌ها از جهت رزق در امتحانات سختی قرار گرفتند، به من روزی کن که من به آن‌ها رسیدگی کنم، با آن‌ها مواسات

در صلوات شعبانیه شما وقتی دارید اولیای خدا را در پیشگاه خدای متعال اسم می‌برید امام سجاد (علیه‌السلام) شما را یاری می‌کند که این‌طور بگویید، بگویید الکهف‌الحصین، این‌ها چه کسی هستند؟ این‌ها پناهگاه هستند، پناهگاه استوار مردم این‌ها هستند. «وَوَعِيَاثَ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ» آن کسی که مضطر و بیچاره است و دستش به هیچ‌جا بند نیست فریادرس او محمد و آل محمد (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) هستند. «وَمَلَجِئِ الْهَارِبِينَ» پناه‌دهنده‌ی به کسانی که ترس و وحشت بر آن‌ها غلبه کرده و گریخته‌اند از چیزی که می‌ترسند. آغوش باز رحمت و امن الهی، آغوش محمد و آل محمد را می‌گیرند، «وَوَعِظَمَهُ الْمُعْتَصِمِينَ». خاطر مبارک‌تان باشد که این ویژگی اولیای خدا که در متن



وفاداری همه‌جانبه تا پای جان

امروز ما رفتیم دیدن این جانبازان، معمولاً ما هر سال چند نفر هستیم که به نمایندگی از حضرت آقا می‌رویم، البته چند سالی است که ائمه‌ی جمعه و نمایندگان ولی فقیه هم در استان‌ها می‌روند ولی خوب این جمع ما خاص است که از طرف حضرت آقا می‌روند. ده دوازده سالی است که من این توفیق را دارم. چه چیزهایی را ما دیدیم. امروز خدمت یکی از این آقایان جانبازان بودیم، جمله‌ی ایشان این بود گفت به آقا جان بگویند که یک مختصر چیزی از فضل خدای متعال پیش ما بود همراه با امام خمینی تقدیم کردیم، الباقی آن را هم با امام خامنه‌ای تقدیم می‌کنیم، ما درخواستی نداریم. بعد من متوجه شدم ایشان رفته مستأجر شده خانه‌اش را گذاشته برای کار فرهنگی، ما همان جایی را که گذاشته را رفتیم آن‌جا دیدن ایشان. بیت‌العباسی را درست کرده بعد آن‌جا شده مجمع

کنم. «وَأَرْزُقْنِي مَوَاسَاةً مِّنْ قَتْرَتٍ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ» در آن بخشی که به من توسعه دادی با آن کسی که بر او تنگ گرفتی مواسات کنم. یعنی به او رسیدگی کنم. این را خدای متعال می‌پسندد. یکی از اعمال ویژه‌ی ماه معظم شعبان صدقه است. که صدقه جلوه‌ی همین رسیدگی است.

اصلاً در ماه شعبان عمدتاً به این فکر باشد که چکار می‌تواند بکند از کسی عیادت کند، یک خاطر رنج‌دیده‌ای را آرام کند، یک زمین‌خورده‌ای را دستش را بگیرد و بلند کند، یکی کسی را که دارد به مرز ناامیدی می‌رسد را به او امید بدهد، یک کسی را که الان در شرایط سخت است را به او آرامش خاطر بدهد. از این قبیل‌هاست.



معشار نه، ثانیه‌ای از ثانیه‌های عمر مثلاً این جانباز عزیز ما را در خدمت نبوده، دردی نکشیده، رنجی نبرده ادعاها را ببین. مثلاً می‌خواهد تمام این سقف را بشکافد. گویا همه‌ی کار انقلاب اسلامی الان روی دوش ایشان دارد پیش می‌رود.

ما که خیلی خجالت کشیدیم و گفت این هم بقیه‌اش. به رفقا گفتم پارسال بود یا سال قبلش بود که آن جانباز به من گفت که به آقا جان بگویند که من دیگر به درد ایشان نمی‌خورم، من این‌جا افتادم سال‌هاست که حرکتی ندارم، اگر یک روزی برای سنگربندی نیاز به یک کیسه‌ای، چیزی داشتند روی من حساب کنند، من به اندازه‌ی یک کیسه‌ی سنگر می‌توانم آن‌جا به کار ایشان بیایم.

همین خوبان و اجتماع بچه‌ها، جلسه دارند، هیئت دارند، برنامه دارند، جانبازان دیگر آن‌جا رفت و آمد می‌کنند، منزل خودش را گذاشته برای این کار.

این‌ها دیگر کی هستند؟ داداش‌جون ما کی هستیم؟ ما چی می‌گوییم؟ اصلاً حرف ما چی هست؟ اصلاً چی داریم می‌گوییم؟ خجالت هم گفت خوب چیزی است خدا می‌داند. خدا می‌داند که خجالت خوب چیزی است که ما نمی‌کشیم.

خانم ایشان می‌گفت ما اکثر شب‌ها از درد حاج آقا نمی‌توانیم بخوابیم. چهل سال است که درد می‌کشد. عالم این‌هایی که نخاعی هستند اصلاً قابل فهم نیست که این‌ها در چه شرایطی هستند. ولی وقتی باب این عشق و این ارادت و این‌ها است این‌ها را به کجا می‌رساند؟ و هیچ توقعی هم ندارند.

طرف را می‌بینی کوچک‌ترین قدمی برای این انقلاب؛ کوچک‌ترین یعنی یک عشر



سؤالات مخاطبین

سؤال: بین بچه‌های اتحادیه بحث همین روزه و این که فرمودید آن طرف یک پیوست روزه‌ی مستحبی با تعارف دارد زیاد است، این را لطفاً تعیین تکلیفی بفرمایید. چون بچه‌ها هم دو دسته هستند، یک سری هستند که کلاً می‌گویند آقا دیگر خودمان را گول نزنیم.

پاسخ: اگر به صورت طبیعی باشد چه اشکال دارد؟ انسان با یک کسی رو به رو می‌شود آن هم اتفاقاً روزه است، ولی یک وقتی برنامه می‌شود آن نه، آن قشنگ نیست. تبدیل شده به برنامه، ما سحری بلند شویم یک چیزی بخوریم صبح هم بیاییم اتحادیه، آقا بفرمایید دیگر، ما هم تعارف بکنیم آن هم بگوید خب هم تو به فیض روزه رسیدی و هم ثواب اجابت مؤمن را کردی، این نه دیگر، این معلوم است که طرح‌ریزی شده است. اما آنچه که طبیعی است، طبیعی است که انسان با یک کسی رو به رو می‌شود آن روزه مستحبی

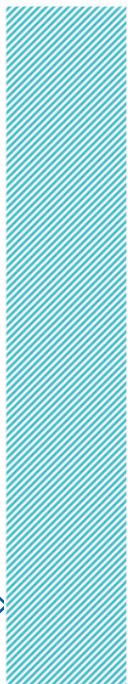
دارد او هم به او تعارف کند آن هم برداشت کند عیبی ندارد. لذا خیلی این باب را باز نکنید قشنگ نیست. ولی اگر طبق روال طبیعی آن بود بعد مثلاً ما می‌بینیم یک نفر است مثلاً ما یک جمعی هستیم با هم دیگر هستیم حالا می‌خواهیم چیزی بخوریم و بگوییم و بشنویم، این بنده‌ی خدا در جمع ما روزه دارد، هم به او سخت می‌گذرد هم به ما، این را مرتبش می‌کنیم که دیگر همه‌ی ما با هم بخوریم. ما دعاگوی شما هستیم شما هم ما را دعا کنید همه‌ی ما ان شاءالله مشمول دعای این جانبازان عزیزمان باشیم. این‌ها خیلی مقرب هستند در پیشگاه خدای متعال. مخصوصاً آن اهل معرفت آن‌ها چهل سال، چهل و یک سال، این دائماً برایش جنگ است دیگر، این تمام نشد که، برای خودش، برای خانمش، برای بچه‌هایش. خدایا تو را قسم می‌دهیم به حق حضرت ابالفضل (علیه‌الصلاة والسلام)

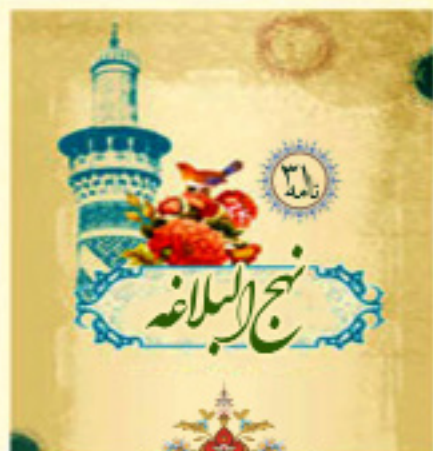


ما را در مسیر تحصیل رضای خودت یاری کن، ما را جزو مؤدبین به آداب ماه معظم شعبان قرار بده. توفیق انجام وظایف و مأموریت‌های بزرگی که در این زمانه بر عهده داریم به ما کرامت کن. ما را شرمنده‌ی شهدا، شرمنده‌ی جانبازان، شرمنده‌ی ایثارگران و خانواده‌های آنها قرار نده. ارواح مطهر شهدا، امام راحل عظیم‌الشان از ما راضی کن، موانع ظهور مرتفع بفرما، ما را جزو بهترین یاران امام زمان مان قرار بده به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

«اللهم صل علی محمداً و آل محمد و عجل فرجهم»







نامه ۳۱ نهمین کنگره تخصصی تعلیم و تربیت برای انجمن‌های اسلامی
 دانش‌آموزان که دست‌اندرکار تربیت علوی بچه‌های
 امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است، اگر بخواهد مسیر تربیتی
 بچه‌ها را تسهیل، تقویت و تشویق کند تا در این
 زمینه موفق بشوند و قدم بردارند، به نظرم یک
 نعمت عظمی و بسیار مفتاح و بی‌نظیر محسوب
 می‌شود. ما در انجمن به مناسبت ماموریت
 انقلابی که در محیط آموزش و پرورش داریم،
 باید علاوه بر اینکه خودمان بهره‌مند می‌شویم،
 ان‌شاءالله باید نقش معرفی را هم نسبت به
 نامه ۳۱ دانش‌آموزان به‌یادماندگار کنیم.

«سجده الاسلام و المسلمین محمدجواد حاج علی‌اکبری»